

## مقاومت را گسترش دهیم

رامین جوان

جنبش فرانسه که در آن کنشگران سندیکاهای کارگری، و جوانان کمونیست و آنارشیست در مقابله با قانون جدید کاریکدیگر را بازیافتند، بار دیگر تأکیدی بود بر ضرورت همکاری و اقدام مشترک فعالین رادیکال سوسیالیست پرولتاری و آنهم در سطح فراملی. قانون جدید کار یکی از داوهای تهاجمی سرمایه داری افسارگسیخته در ایستار نئولیبرالیسم است که می‌خواهد تمامی حقوق و دستاوردهای را که طبقه ی کارگر طی دهه‌ها مبارزه ی پرفرازونشیب به دست آورده از آن بازپس بگیرد. رژیم سرمایه داری در ایستار سوسیال دموکراسی فرانسه می‌خواهد (به استناد ماده ۳-۴۹ قانون اساسی) بدون طرح در پارلمان آن را اجرایی کند. سوسیالیست های انقلابی ایرانی در تبعید و در داخل ایران نباید کارگران و جوانان هیچ کشوری را در مبارزات خود تنها بگذارند، چرا که پیروزی یا شکست آنان تاثیری بلاواسطه بر مبارزات کارگران و جوانان سوسیالیست در کشور خودمان دارد.

این قانون ضدکارگری قرار است توسط یک حکومت باصلاح سوسیالیست که به هر حال با وعده ی صرفه‌جویی و کاهش هزینه های اجتماعی روی کار آمده، به بهانه ی ادامه ی وضعیت فوق‌العاده در کشور به اجرا درآید که از ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ در پی حملات تروریستی پاریس در کشور فرانسه اعلام گردیده و دست پلیس و مقامات اجرایی را در اقدامات ضددمکراتیک و سرکوبگرانه، باز گذاشته است. جای تعجب نیست که "جبهه ی ملی" ماری لوپن که عوام‌فریبانه سیاست صرفه‌جویی‌های نئولیبرالی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و دائماً به حکومت اولاند می‌تازد تا موقعیت مناسبی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷ به دست بیاورد.

احزاب راست و راست‌های افراطی جدید در حال پیشروی اند، چرا که سالیان بس درازی ست که احزاب رفرمیست باصلاح چپ چه در چهر سوسیال دموکراسی و چه در چهر پسا استالینیسم راه خیانت به رای دهندگان خود را پیش گرفته‌اند، چه حزب سوسیالیست چه حزب باصلاح کمونیست فرانسه، چه حزب سوسیال دمکرات آلمان یا حزب چپ آلمان یا حزب کارگر انگلستان و حتا احزاب قلابی چپ و دروغین باصلاح رادیکال. به عنوان مثال می‌توان از تسلیم حکومت «سیریزا»ی یونان در برابر سیاست ریاضت اقتصادی یاد کرد که اتحادیه ی اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به مردم یونان تحمیل نمودند.

عامل مهم دیگری که دایره ی مقاومت را محدود و آن را به بیراهه می‌کشاند تاکتیک‌های سندیکا‌های کارگری است که خود را به پیروزی‌های کوچک مقطعی دلخوش داشته و شناختی از آینده ندارند و تنها دست‌آوردشان این است که از دوستان و لابی‌های «سوسیالیست» خود در داخل حکومت حمایت کنند.

اما همچون فرانسه ی امروز، مبارزات سندیکا‌های کارگری و جوانان میلیتانت آنارشو کمونیست در یونان نیز زنده است و در مقابل سیاست تبهکارانه صرفه‌جویی و ریاضت اقتصادی مقاومت می‌کند و همین دلیلی برای خوش‌بینی و امیدواری در نسل جدید مبارزان طبقاتی است. اینجاست که اگر متحد و یک‌پارچه و سراسری عمل کنیم، به راستی می‌توانیم نقطه عطفی بی‌اغازیم.

این آکسیون‌ها در خیابان، محلات و کارخانه‌ها که بیان تلاش ما برای دستیابی به یک اروپای بدون ریاضت اقتصادی و حذف امکانات رفاهی اجتماعی می‌باشد، می‌تواند نیروهای چپ و مبارز سندیکا‌های کارگری و جوانان میلیتانت اسپانیا و سایر کشورها را به خود جلب نماید. آنان خواهان نظامی هستند که قاطعانه بر سیاست ریاضت اقتصادی نقطه ی پایان نهد و به اقدامات تعیین‌کننده‌ای در جهت مبارزه با فقر، بیکاری، بی‌خانمانی و کاهش دستمزدها و اشتغال ناپایدار دست یازد.

همین تلاش‌ها سبب شد تا در یک برنامه ی ضد ریاضت اقتصادی، جرمی کوربین به عنوان لی‌در جدید حزب کارگر انتخاب شود؛ همان کسی که در دوران بلر و جانشین او جاده‌صاف‌کن سیاست‌های نئولیبرالی در اتحادیه ی اروپا و جنگ‌های امپریالیستی توسط ناتو بود.

هم چنین نیروهایی که با رشد و گسترش روزافزون راسیسم و شوونیسم در سطح اروپا، علیه سیم‌های خاردار و دیوارهایی که راه را بر فراریان و پناهجویان می‌بندد، در برابر تبلیغ نفرت علیه کارگران دیگر کشورها و علیه نقشه‌های سردمداران کشورهای معظم امپریالیستی برای دامن زدن به یک جنگ سرد جدید مبارزه می‌کنند، آخرین نیروهایی نیستند که به ما خواهند پیوست.

ما تنها به یک جنبش سندیکایی یا کنش‌های اجتماعی همچون «خشمگین‌ها»<sup>۱</sup>، «اشغالگران»<sup>۲</sup> یا «ایستادگان در شب»<sup>۳</sup> در فرانسه که فعالیت‌های خود را به اعتراض صرف محدود کنند نیاز نداریم، بلکه به یک جنبش توده‌ای سیاسی طبقاتی پرولتاری و در بستر انکشاف آن به حزب انقلاب سوسیالیستی نیازمندیم که منادیان سیاست ریاضت اقتصادی را از قدرت به زیر کشد و رژیم را به جای آن بنشانند که نخواهد بحران سرمایه‌داری را با خرج کردن از کیسه ی کارگران و زحمتکشانشان برطرف کند.

1 - Indigandos  
2 - Occupy  
3 - Nuit debout

اگر این نیروها کنش‌های خود را با مبارزات خواهران و برادران طبقاتی شان در تمامی اروپا هماهنگ سازند آنگاه می‌توانند پیامی دلگرم کننده و انقلابی و به راستی کمونیستی ارسال کنند: یک اروپای دیگر اروپای مبتنی بر سوسیالیسم، یک اروپای سوسیالیست علیه باندهای مرتجع سرمایه داران راسیست و نئوفاشیستی که سال‌ها است در فرانسه، مجارستان و لهستان و... در حال پیشروی هستند.

این نیروها به گونه‌ای روزافزون مخالف یک اروپای متحد بوده، خواهان بازگشت به کشورهای مستقل کوچک بوده و در مقابل انسان‌های خارج از محدوده‌ی اتحادیه‌ی اروپا دیوار می‌کشند. همه‌پرسی بریتانیا پیرامون خروج از اتحادیه‌ی اروپا بیان روشن این پدیده‌ی ارتجاعی است. نه با نیروی یک اروپای متحد امپریالیستی و نه با رفرم‌های آبکی شبه سوسیالیستی نمی‌توان با این نیروها مبارزه کرد. ما به جای آن به یک مبارزه‌ی مشترک در سطح قاره‌ای برای ایجاد تحولی انقلابی و یک اروپای سوسیالیست با درهای گشوده بر روی جهان نیاز داریم.

بخش نه چندان اندکی از قدرت‌گیری راست را باید به سبب فریب رای دهندگان توسط احزاب بزرگ سوسیال دمکرات و کمونیست‌های دروغین یعنی استالینیست‌ها دانست، حزب کارگر انگلستان، احزاب سوسیالیست اسپانیا و فرانسه، سوسیال دمکرات‌های آلمان و اسکاندیناوی. از پای درآمدن حزب سیریزا پس از آن‌همه امیدبخشی برای گسست رادیکال از سیاست ریاضت اقتصادی را نیز باید بدان افزود.

تجربه‌ی یونان نشان داد که صرف انتخاب یک رژیم، که قول می‌دهد از سیاست ریاضت اقتصادی بگسلد، همان کاری که فرانسوا اولان رئیس‌جمهور فرانسه کرد، برای چیرگی بر قدرت‌های بزرگ امپریالیستی فاقد هرگونه‌ای از کارآیی است. اگر طبقه‌ی کارگر و جوانان میلیتانت چپ به شکل سازمان یافته و با پرچم و صف مستقل گارگری خود برای یک مبارزه‌ی ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی با بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بورس بازان وارد میدان نشوند، رژیم‌های انتخابی به زودی وعده‌های خود به رای دهندگان را فراموش کرده، در برابر بند و بست‌های مافیایی سرمایه داران و در مقابل فشارهای بین‌المللی نهادهای مافیایی سرمایه مالی سر تسلیم فرود می‌آورند.

یک مقاومت گسترده در سطح اروپا و برنامه‌ریزی برای آن، امروز یک ضرورت است زیرا با توجه به امکان بازگشت رکود اقتصادی، خطر رشد نیروهای راست و راست جدید نئوفاشیست که می‌خواهند ناسیونالیسم، شوینیسم، نژاد پرستی، راسیسم و یهود ستیزی دوباره با درپیش گرفتن سیاست‌های ایجاد کشورهای «مستقل» و سیاست فقیرسازی همسایگان را زنده کنند، به روشنی دیده می‌شود. راست‌ها و راست‌های نئوفاشیست می‌توانند برای توجیه سیاست‌های ارتجاعی خود و از موضع ناسیونالیستی و عمیقاً ارتجاعی به درد و رنجی که سرمایه‌داری اروپا و امریکابرای شهروندان خود و بدتر از آن برای انسان‌ها در اطراف

واکناف جهان به ارمغان آورده استناد کنند. در مقابل، ما باید هدف ایجاد یک اروپای متحد و سوسیالیست را در چشم‌انداز بگذاریم که درهای آن بر روی پناه‌جویانی که از جنگ‌های امپریالیستی می‌گریزند یا در جستجوی کار برای ادامه ی زندگی انسانی خود هستند، همواره گشوده باشد.

بدین سبب خطاب ما بمثابه بخشی از فعالین طیف سوسیالیسم انقلابی بین‌المللی به تمامی تشکل‌های چپ رادیکال، فعالین میلیتانت سندیکا‌های کارگری و تمامی کسانی که می‌خواهند علیه کاهش امکانات رفاهی، راسیسم، و توحش و بربریت سرمایه داری مبارزه کنند بدین لحاظ ضروری است که در همین امسال یک کنفرانس و فوروم سوسیالیستی در سطح اروپای سازماندهی نموده و در آن طی روندی دمکراتیک، یک استراتژی واحد برای تمامی اروپا تعیین شود تا سپس بتوان در تک تک کشورها آن را با تمامی توش و توان به پیش برد.

- نبود باد سیاست کاهش امکانات رفاهی و حذف امکانات اجتماعی؛
- نبود باد نژادپرستی، راسیسم و یهودی ستیزی
- برای یک اروپا که در آن بالاترین استانداردهای دستمزد، امکانات اجتماعی، آموزش و حقوق دمکراتیک کارگران وجود داشته باشد؛
- برچیده باد بساط «وضعیت فوق العاده» و قوانین ضد کارگری و رفم‌های بازار کار که حقوق دمکراتیک ما را بی‌اعتبار نموده و در مقابل مقاومت ما، مانع ایجاد می‌کنند؛
- برای ایالات متحده ی سوسیالیستی اروپا!